

## ایرانیان و تأسیس مدرسه و کتابخانه نظامیه بغداد

مرتضی محمدنیا\*

در صدر اسلام قرآن مجید اساس علوم اسلامی به شمار می‌رفت و رسول اکرم (ص) که نخستین معلم و مربی اسلام است، تعالیم آن را به صحابه می‌آموخت و آنان هم قرآن و علوم وابسته را به دیگران تعلیم می‌دادند و همان‌گونه که مدارس مسیحیان در دیرها و کلیساها تشکیل می‌شد، مدارس مسلمانان هم در مساجد دایر می‌شد. بنا بر عقیده ذهبی، مورخ و محدث مشهور اسلامی در قرن هفتم، از اول خلافت عباسیان تا عصر متوکل، مدارس مخصوصی برای تدریس علوم نبود و خواجه نظام الملک طوسی، از وزیران و دانشمندان بنام ایرانی، نخستین کسی بود که به احداث مدارس پرداخت و در بغداد، بلخ، نیشابور، هرات و بصره و اصفهان و آمل و طبرستان و موصل مدارسی بنا کرد.

بعضی از دانشمندان معتقدند که پیش از نظام الملک هم مدارسی وجود داشته و او فقط برای طالبان علم راتبه و مقرری منظور کرده. سبکی، عالم شافعی مذهب و صاحب کتاب طبقات الشافعیه، نقل کرده است که قبل از خواجه نظام الملک مدرسی در نیشابور به نام مدرسه بیهقیه و سعدیه وجود داشته که به امر سبکتکین، برادر سلطان محمود غزنوی، بنا شده بود. این امر نشان دهنده عقلانیت و تفکر ایرانی و اهمیت آنها به علم پروری است. جرجی زیدان، مورخ مسیحی عرب، به این مطلب اشاره می‌کند که اکثر مورخان مسلمان با این نظر موافق اند که خواجه نظام الملک طوسی، وزیر ملک‌شاه سلجوقی، اولین مدرسه اسلامی را در نیمه قرن پنجم تأسیس کرد.

با اینکه نهضت علمی از دوره عباسیان آغاز و کتب علمی ترجمه شد، ولی در آن عصر مدرسه‌ای احداث نشده بود. نظام الملک در اکثر مدارسی که بنا کرد، کتابخانه‌ای در جنب یا

در داخل آن بنیان نهاد تا کتاب‌های مورد نیاز اساتید و شاگردان آن مدرسه را تأمین کند. از میان تمام مدارسی که او تأسیس کرد، مدرسه بغداد از همه آنها مشهورتر بود؛ زیرا خواجه نظام الملک اولین بار در آن مدرسه تدریس را مجانی ساخت و برای طالبان علم مقرری تأمین کرد.

اهمیت عمده نظام الملک در آن است که پایه گذار نهضت جدید در تأسیس مدارس است. می‌گویند که علت تأسیس مدرسه نظامیه این بود که امیران و پادشاهان و وزیران بهترین راه جلب توجه و رضایت مردم را احسان به نیازمندان و بزرگداشت دانشمندان می‌دانستند و برای جلب رضایت آنها به تأسیس مدرسه، مسجد، رباط، کتابخانه، بیمارستان اقدام می‌کردند. از همین رو، عضدالدوله دیلمی در بغداد به تأسیس مسجد و مدرسه همت گماشت و چون در آن زمان اسماعیلیه در مصر قدرت فراوانی داشتند و اسباب زحمت می‌شدند و خواجه که

\* کارشناس کتابداری و اطلاع‌رسانی از دانشگاه تربیت معلم تهران مجتمع پردیس کرج، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد.

هم مرد خردمندی بود، با احسان و نیکوکاری بر عالمان و فقیهان نفوذ و محبت فراوانی کسب کرد؛ به طوری که وی را در دارالخلافه رضی امیرالمؤمنین لقب دادند و چون سمت وزارت دو پادشاه آلپ ارسلان و ملکشاه را بر عهده گرفته بود، به تاج الحضرتین مشهور شد.

### تاریخ تأسیس

بنای مدرسه بغداد از ذی الحجه سال ۴۵۷ ق آغاز شد و تا ۴۵۹ ق طول کشید. مباشر این کار ابوسعید احمدبن محمد نیشابوری صوفی بود که ایشان هم ایرانی است و این اقدام او نشانه عظمت و برتری فرهنگی و اجتماعی ایرانیان است. هنگام افتتاح این مدرسه جمعی کثیر از طلاب و اعیان و دانشمندان دعوت شدند. نظام الملک برای این مدرسه موقوفاتی تأمین کرد که سالیان صرف مزد کارکنان و استادان آنجا می شد و این ساز و کار در نوع خود در آن زمان بی نظیر بود و بر دور اندیشی تفکر ایرانی دلالت دارد. این مدرسه کتابخانه معتبری داشت و دارای ساختمانی عالی و باشکوه بود و برای بنای آن دویست هزار دینار از اموال خواجه را خرج کرد و نام خود را بر آن نهاد. نفقات سالانه آن پانزده هزار دینار بود و شش هزار شاگرد در آن زندگی می کردند و به آموختن فقه و تفسیر و حدیث و نحو و لغت و ... مشغول بودند. نظامیه در کنار دجله و قسمت شرقی بغداد در کوی سوق الثلاثاء واقع بود.

### معیدان معروف نظامیه

معیدان نظامیه کسانی بودند که در هنگام تدریس استاد، گفته های استاد را تکرار می کردند؛ زیرا تعداد شاگردان به قدری فراوان بود که صدای استاد به همه آنها نمی رسید. گاهی این افراد به اداره کلاس هم می پرداختند و مانند استادان مردمانی مشهور و دانشمند بودند و حتی گاه به درجه استادی می رسیدند که معروف ترین آنها به شرح ذیل اند:

۱. محمدبن هبة الله بن عبدالله سلماسی، فقیه شافعی (م ۵۷۴ق)؛
۲. ابوالعز بهاء الدین یوسف بن رافع اسدی حلبی شافعی، معروف به ابن شداد (م ۶۳۲ق) که خود از شاگردان نظامیه بود؛
۳. ابو عبدالله محمدبن ابی بکر بن رشید بغدادی شافعی واعظ و فقیه (م ۶۶۲ق)؛
۴. ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد حمدان (متولد ۷۵۳).

### خازن و یا کتابداران نظامیه

همزمان با تأسیس نظامیه، دارالکتب که کتابخانه ای مجهز و متناسب با تشکیلات وسیع و گسترده مدرسه بود، در آنجا دایر و به دستور خواجه، خازن دارالکتب یا کتابدار برای آن در نظر گرفته شد. تأسیس کتابخانه در مدارس نظامیه به ویژه نظامیه بغداد، یکی دیگر از رویدادهای علمی آن زمان است؛ زیرا در این کتابخانه کتب دلخواه مطابق با اصول صحیح کتابداری امروزی در دسترس استادان و دانشجویان قرار می گرفت و کتابخانه و کارکنان آن بخشی از سازمان آموزش نظامیه را تشکیل می دادند و به هر یک از کتابداران مدرسه مطابق نص آیین نامه مدرسه، ماهیانه ده دینار حقوق پرداخت می شد. خواجه نظام الملک در زمان حیات خود از رسیدگی به امور کتابخانه مانند دیگر قسمت های مدرسه غافل نبود.

او در سفری که به نظامیه در سال ۴۷۹ ق کرد، ضمن بازدید از نظامیه در کتابخانه منزل کرد و به مطالعه کتب پرداخت و درس هایی از حدیث املا نمود و درباره مدرسه و کتابخانه دستورهای اصلاحی صادر کرد. در سال ۵۱۰ ق انبارهای چوب و هیزم اطراف نظامیه آتش گرفت و قسمت هایی از «باب المراتب» و «درب السلسله» طعمه حریق گشت و به کتابخانه نیز سرایت کرد، ولی به کتاب ها آسیبی نرسید و فقها به محض احساس آتش سوزی کتابخانه را به محل امنی منتقل کردند و مجموعه نفیس را از خطر حریق نجات دادند.

در سال ۵۸۹ ق ناصر خلیفه از اختلالی که در کار نظامیه ایجاد کرده بود، پشیمان شد و برای جبران مافات دستور داد کتابخانه بزرگی به کتابخانه قدیمی منضم کنند و خودش کتاب های نفیس زیادی به آنجا منتقل کرد. کم کم کتابخانه بزرگی در نظامیه دایر شد که بی شک از نخستین کتابخانه های دانشگاهی و یا وابسته به مدارس عالی بود. خواجه نظام الملک سهم زیادی از عواید موقوفات مدرسه را به خرید و استتساخ کتاب برای کتابخانه نظامیه اختصاص داد و طولی نکشید که پس از گذشت دو-سه سال کتابخانه نظامیه گنجینه ای غنی از کتب نفیس گردید و در روز دوشنبه ۲۶ جمادی الاخر سال ۴۶۲ ق امیر عمید ابونصر، متصدی اوقاف نظامیه، صورتی از کتاب های موقوفه مدرسه و کتاب هایی را که به مدرسه اهدا شده بود، در حضور اعیان و اشراف بغداد قرائت کرد.

بدین ترتیب، نخستین قدم برای انتقال کتابخانه به مدارس در

می خورد که یکی از مدیران مدرسه به نظام الملک گزارش داد و مورد قبول او واقع نشد؛ ولی یک شب بدون اطلاع به مدرسه آمد و او را در همان حال دید که بعداً خواهج او را به نزد خود احضار کرد و خطیب تبریزی بدانتست که خواهج از حال او اطلاع دارد و عذر بسیار خواست و توبه کرد.

یکی دیگر از خازنان مشهور نظامیه، ادیب دانشمند و شاعر بزرگ ابوالمظفر محمدبن احمد ابیوردی (م ۵۰۷ق) بود که در اواخر عمر سمت اشراف مملکت سلطان محمدبن ملکشاه سلجوقی را داشت و او بعد از قاضی ابویوسف یعقوب بن سلیمان اسفراینی که مردی ادیب و شاعر بود و در سال ۴۹۸ق وفات یافت، به ریاست خزانه دارالکتب رسید. از دیگر خازنان معروف دارالکتب نظامیه بغداد ابوالحسن علی بن عمر (م ۵۷۵ق) است.

علاوه بر کتابخانه نظامیه دارالکتب ناصری که به دستور ناصر خلیفه عباسی ساخته شد و کتابخانه را گسترش داد بر تعداد خدمه کتابخانه افزود. مؤلف تجارب السلف می نویسد:

«روزی وزیر سید نصرالدین بن مهدی (۶۱۷ق) وزیر ناصر عباسی مدرس و ناظر نظامیه را بخواند و با ایشان گفت فلان علوی را خازن دارالکتب ناصری قرار بده ... ناظر جواب داد که این کتابخانه و خازنش هیچ حقوقی ندارند، ولی بر حسب عواید مدرسه خازن مدرسه ماهی ده دینار مشاهره دریافت می کند وزیر دستور داد که علوی را کتابدار مدرسه قرار بده و کتابدار مدرسه نایب او باشد و مقرری او هیچ تغییر نکند و هفت دینار از عایدات مدرسه به علوی بدهید».

از جمله وظایف کتابداران در مدرسه که جملگی از خطاطان بودند، استنساخ و تکثیر کتاب و رسالات بود.

#### اسناتید مشهور نظامیه

استادان نظامیه از دانشمندان بنام عصر به شمار می رفتند و گذشته از اشتهار علمی در فقه شافعی مقامی ارجمند داشتند. از اساتید مشهور مدرسه، امام رضی الدین قزوینی رئیس مذهب شافعیه و فقیه برجسته آن مذهب است. ابن جبر اندلسی در سال ۵۸۰ق که در مجلس درس او حاضر شد، از وی یاد می کند. از دیگر استادان مدرسه، امام ابونصر بن زین الاسلام ابوالقاسم قشیری است. گفته می شود که مجلس وی با استقبال گسترده روبه رو بود و حتی گروهی از دانشمندان معروف مثل امام ابواسحاق شیرازی به احترام وی در مجلس درس وی حاضر می شدند.

نیمه دوم قرن پنجم برداشته شد و این سر مشقی برای دیگر دانشمندان و شخصیت های علمی و سیاسی گردید. سبکی درباره عبدالسلام مغربی نوشته: هر وقت بزرگان و توانگران قصد اهدا و عطای ارمانی به وی داشتند، کتاب می فرستادند و او نیز این کتاب ها را به کتابخانه مدرسه نظامیه اهدا می کرد.

توجه روز افزون مردم به ویژه دانشمندان به نظامیه بغداد و کتب بی شماری که به آن کتابخانه آن اهدا می شد، این کتابخانه را از مراکز مهم تحقیق و مطالعه علوم و معارف اسلامی قرار داد، ولی با انقراض این دارالعلم بزرگ گنجینه غنی کتابخانه دستخوش غارت شد. از جمله اهداکنندگان کتاب به کتابخانه نظامیه، یکی محمدبن شهفیروزبن ماهیار ابوجعفر لازری طبری فقیه شافعی است که مردی متدین و خوش خط بود. او ابتدا در طبرستان نزد ابوالمحاسن رویانی درس آموخت و سپس به بغداد آمد وی کتب زیادی نوشت و همه را وقف کتابخانه نظامیه کرد.

یکی دیگر از اهداکنندگان کتاب، ناصر خلیفه عباسی (۶۲۲ق) است. چنان که قبلاً گفتیم، در سال ۵۸۹ق به دستور وی کتابخانه بزرگی منضم به کتابخانه قدیم مدرسه ساخته شد و بالغ بر هزار کتاب نفیس را که نظیرش در جایی یافت نمی شد، بدان جا منتقل کرد.

محب الدین محمود ابن النجار بغدادی (۶۴۳ق) نیز از دانشمندان و مورخان مشهور بود که تمام آثار و تألیفات خود را وقف نظامیه کرد که شامل ۲۲ عنوان از آثار خودش بود؛ از جمله ذیل تاریخ بغداد بر تاریخ بغداد خطیب، الشافی فی الطب.

خازنان و کتابداران دارالکتب نظامیه نیز از میان دانشمندان و بزرگان انتخاب می شدند که یکی از آنها خطیب تبریزی بود و دیگری ابو زکریا یحیی بن علی شیبانی، لغوی معروف (۵۲۰ق) که بعد از مدتی در همین مدرسه به تدریس پرداخت. این شخص نخستین خازن و یا کتابدار دارالکتب نظامیه بود و از جانب نظام الملک وزیر انتخاب شد. هندوشاه نخجوانی در کتاب معروفش تجارب السلف درباره کتابدار نظامیه چنین نقل می کند:

«نظامیه بغداد بسیار مکانی شریف است و بزرگان زیادی در آنجا به تدریس مشغول بودند؛ مثل امام ابواسحاق شیرازی صاحب کتاب تنبیه و غزالی طوسی معروف هم یکی از اساتید آنجا بود و از این مدرسه فقها و فضلا به سراسر ممالک می روند و پس از آنکه مدرسه ساخته شد، خازنی یا کتابداری مدرسه به شیخ ابوزکریای خطیب تبریزی سپرده شد و او هر شب شراب

مدیریت مدرسه نظامیه

اداره مدرسه نظامیه تا زمان نظام الملک به عهده خود او بود. خواجه سعی می کرد که برای تدریس در نظامیه از دانشمندان مشهور و اساتید معروف زمان دعوت کند. احترام وی به طبقه علما و دانشمندان به حدی بود که نقل می کنند وقتی امام الحرمین ابوالمعالی جوینی و امام زین الاسلام قشیری نزد وی می رفتند، بر می خاست و ایشان را به جای خویش می نشانید. بعد از وی پسرانش تا مدتی سرپرستی مدرسه را به عهده داشتند و پسران خواجه نیز از احترام به دانشمندان دریغ نداشتند. از ضیاء الملک احمد فرزند خواجه نقل شده که وی اصرار زیاد کرد که امام محمد غزالی در نظامیه بغداد به تدریس پردازد که او نپذیرفت. بعد از فرزندان خواجه، کار اداره نظامیه به دست خلفای بغداد افتاد. موقعی که هولاکو خان به این شهر تسلط یافت، عزالدین ابوالعز، محمد بن جعفر بصری را به مدرسی آنجا گماشت.

شاگردان معروف نظامیه

یکی از شاگردان معروف نظامیه شیخ مصلح الدین سعیدی شیرازی بود. وی در اوان جوانی به بغداد رفت و آنجا در مدرسه نظامیه به تحصیل علوم ادبی و دینی همت گماشت و از محضر اساتیدی چون ابوالفرج ابن جوزی کسب فیض نمود؛ چنان که او در یکی از حکایات باب دوم گلستان در این مورد می فرماید:

قاضی ار با ما نشیند بر فشانده دست را

محتسب گرمی خورد، معذور دارد مست را

و در باب هفتم می گوید:

مرا در نظامیه ادرار بود

شب و روز تلقین و تکرار بود

مر استاد را گفتم ای پر خرد

فلان یار بر من حسد می برد

چو من داد معنی دهم در حدیث

برآید به هم اندرون خبیب

شنید این سخن پیشوای ادب

به تندى برآشفتم و گفتم ای عجب

از دیگر شاگردان معروف مدرسه می توان به ابوالقاسم علی بن حسن عساکر دمشقی معروف به ابن عساکر (م ۵۷۱ق)، عمادالدین ابو عبدالله محمد بن اصفهانی شافعی معروف به عماد کاتب مورخ مشهور (م ۵۹۷ق) و یوسف بن رافع اسدی حلبی

شافعی معروف به ابن شداد اولین شاگرد نظامیه بود و سپس معید شد و در سال ۶۳۲ق وفات یافت.

سرانجام نظامیه

نظامیه بغداد در سال ۴۵۹ ق افتتاح شد و بنا بر گفته ابن جبیر در سال ۵۰۴ق آن را دوباره تعمیر کردند. در سال ۶۷۰ ق زمانی که عطاء الملک جوینی وزارت داشت، نظامیه دچار حریق و به دستور عطاء الملک دوباره مرمت شد. ابن بطوطه که در سال ۷۲۷ ق به بغداد مسافرت کرد، از اهمیت این مدرسه سخن گفته است. گفته می شود با تأسیس مدرسه مستنصریه بغداد، از اهمیت شکوه این مدرسه کم کم کاسته شد و چون که مخصوص شافعیان بود، تعطیل و به ویرانه تبدیل شد و ایوان آن تا سال ۱۳۳۵ ق باقی بود و زیارتگاه شیعه بغداد بود و سنگی بر آن ایوان نصب بود که جای دستی داشت و می گفتند جای دست امام علی (ع) است و به پنجه علی شهرت داشت. چون خلیل پاشا، سردار عثمانی، وارد بغداد شد، آن را ویران کرد و شیعیان بغداد آن سنگ را به محله ام طه بردند و جایی برای آن درست کردند که هنوز باقی است.

منابع

۱. تاریخ تمدن اسلام، جرجی، زیدان، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۰۸.
۲. تجارب السلف، هندوشاه، غزنوی، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران، اقبال، ۱۳۱۳، ص ۲۷۰.
۳. ضحی الاسلام، احمد، امین، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۳، ج ۲، ص ۴۹.
۴. طبقات الاطباء، ابن ابی اصیبه، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸، ج ۲، ص ۲۳.
۵. طبقات الشافعیه، سبکی، مصر، الهلال، ۱۹۰۴م، ج ۳، ص ۱۳۷.
۶. غزالی نامه، جلال الدین، همایی، تهران، هما، ۱۳۶۸، ص ۱۳۰-۱۳۲.
۷. گنج سخن، ذبیح الله، صفا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۰، ج ۲، ص ۱۵۷.
۸. مدارس نظامیه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، نورالله، کسائی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۹. وفيات الاعیان، ابن خلکان خلیل بن احمد، بیروت، دارالثقافه، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۸.